

جبهه مقاومت در افغانستان

سیامک بهاری

مندرج در انترناسیونال ۹۳۹
۲۳ سپتامبر ۲۰۲۱

آمریکا و متحدان ناتو در زد و بندی
نفرت‌انگیز، تحت نام پروسه صلح، ختم
جنگ و پایان مأموریت برای صلح، طالبان
را به قدرت سیاسی بازگرداندند، دو دستی
یک جامعه مصیبت‌زده و کل امکانات کشور
را تحویل طالبان دادند و با شلیک به یک
خودرو حامل مردم عادی و کشتار چندین
زن و کودک به نام نشانه‌گیری دقیق علیه
داعش اعلام کردند این ختم حضور آنها
در افغانستان است.

سناریوی فشردهٔ سیاسی نظامی بازگرداندن
طالبان طی یازده روز با سقوط کابل بعنوان
آخرین ثقل حکومت سابق به فرجام رسید.
نیروی اردوی ملی هزیمت کرد سران حکومت

بار سفر بستند و از معرکه جستند. اما این پروسه زود فرجام، رعد و برق در آسمان بی ابر نبود. ارگ و سپیدار و همه احزاب جهادی و متعلقات آن که قرار بود "جان بدهند و سنگر ندهند" از برادر ناراضی خواندن طالبان، تا کنفرانس‌های مسکو و دوحه و اسلام‌آباد، تا تخلیه پایگاه بگرام، عهده‌دار تحقق قدم به قدم استراتژی آمریکا و ناتو در بازگرداندن طالبان بوده‌اند. شریک لحظه به لحظه تمامی فجایع بیشمار و تقسیم قدرت و غنایم و فساد مالی و کشمکش‌های درون حکومتی بوده‌اند.

وضعیت اقتصادی افغانستان عملاً فروپاشیده است. بیشتر با کمک‌های جهانی

بیش از ۶۰ درصد بودجه و مخارج کشور تأمین می‌شد. اکنون بانکها ورشکسته‌اند. اکثریت کارمندان زن که نان‌آور خانواده‌اند بیکار شده‌اند. فقر و گرسنگی آشکار جامعه را در هم می‌شکند. کمک‌های خارجی تعطیل شده است. سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده است، بخش درمان افغانستان در آستانه فروپاشی است. معاملات بانکهای خارجی با داخل متوقف شده است. فشار بر حضور زنان چنان سنگین است که صدای متحدین ژنتیک طالبان را هم در آورده است. از حصارکشی در کلاسهای درس دانشگاه تا تعطیلی مدارس دخترانه تهدیدی جدی و بسیار وحشتناک علیه حضور زنان در مشاغل و در جامعه است. زنانِ قاضی

بطور دستجمعی اخراج شده‌اند. از حضور زنان پزشک در بخش‌های عمومی ممانعت می‌شود.

فشار بر رسانه‌ها عملاً بیش از ۱۵۰ رسانه را بکلی تعطیل کرده است. دستگیری مخالفین با شدت و خشونت تمام ادامه دارد. دستگاه ترور شبکه حقانی که حال عهده دار وزارت داخله است به جان منتقدین، فعالین، هنرمندان و خبرنگاران افتاده است. فرار و آوارگی از کشور در ابعاد حیرت آوری در جریان است.

آش چنان شور است که هیچ کشوری برای مراسم تحلیف دولت طالبان حاضر نشد

ریسک کند و حضور یابد. دولتی با ۲۳ وزیر که ۱۷ نفر آن در لیست سیاه سازمان ملل است.

برای مردمی که بیش از چهار دهه تروریسم اسلامی و فساد و فریبکاری حکومتی کرزای و غنی و شرکاء همه هست و نیست آنها را به باد داده، اما این نه پایان کار که آغازی برای عزمی نوین است.

نفرت عمیق از طالبان و جنایات بی پایان امارت اسلامی و همه کراهت تروریستی آن و دست‌های پنهان و آشکاری که این توحش بی بدیل را به قدرت بازگردانده است بسرعت خود را متشکل کرد و به میدان آمد. با بیانی

بسیار واضح و روشن فریاد زد مقاومت خود
مائیم! ما مردم! ما زنان و جسارتی که ما را
سپر به سپر با توحش طالبان، در خیابان
به جهانیان شناساند! شعارها و مطالبات
و خواستههایی که اساس حکومت طالبان
و همه قوانین اسلامی تروریستی آن را به
چالش می‌کشد. مبارزه‌ای که طالبان خود
را عملاً بازنده آن یافت و بسرعت دست به
سرکوب آن زد. جنبشی که نه راه مذاکره
دارد، نه می‌شود ولایت و کرسی مقامات
را با آن معامله کرد و به سازش رسید.
نیروی عظیم که بسرعت خود را آشکار
خواهد کرد. راهی نوین مقابل جامعه خواهد
گذاشت و راهش را برای همیشه از مسیر
منحط احزاب جهادی جدا خواهد کرد. هم

اکنون این نیرو دارد خود را نمایان می‌کند
و صدای صلابتش را جهان می‌شنود.

شورای نظار، پنجشیر و اسطوره سازی

جبهه مقاومتی که اساساً بر اسطوره سازی
شناخته شده احزاب جهادی، برای پنهان
کردن خواست‌ها، جایگاه طبقاتی، سابقه

تاریخی و بند و بست‌ها بر قهرمان سازی و اسطوره پردازی‌های شرقی استوار است، مناسباتی که بر اساس قاموس و رسم و آئین تنظیمات جهادی و هِرم قومی، انتقال قدرت از پدر به پسر، روال تداوم رهبری آن است، احمد مسعود را به نماد مقاومت و جانشینی پدر بدل می‌کند. هنگامی که معامله و مذاکره شورای نظار و صاحب منصبان حزب جمعیت اسلامی با طالبان به نتیجه نمی‌رسد، اعلام جهاد و مقاومت می‌کند. هم پیمان با باقیمانده قدرت ارگ، همزمان از آمریکا و شرکاء غربی تقاضای پشتیبانی می‌کند. لابی‌گری در دالانهای کنگره و سنا در آمریکا و اتکا به سابقه پشتیبانی فرانسه، بخشی از دیپلماسی آن می‌شود. خواست‌های سیاسی و مطالبات و

منافع حزب جمعیت اسلامی و شورای نظار در
تخاصم قومی - مذهبی در زیر لایه غلیظی از
لفاظی ها به طول و عرض و نهانگاهها و افسانه
پردازی های تخیلی دره پنجشیر بدل می شود.
تداوم سیاستها و منافع حزبی و قومی تداوم
راه پدر و البته "حاج قاسم سلیمانی" اسطوره
و چراغ راه او می شود. میدان سیاست اما
همچنان لابی گری در دالانهای کنگره و چراغ
سبز به ارتجاع منطقه بویژه جمهوری اسلامی
ایران است.

مردم جان به لب آمده از ستم حکومت سابق
و امارت اسلامی طالبان، حق دارند دست به
اسلحه ببرند، به خیابانها بریزند، تشکیلات
مخفی و جبهه مقاومت بسازند و علیه همه

این بساط نفرت برای به زیر کشیدن حکومت طالبان مبارزه کنند. حق دارند جبهه مبارزه و مقاومت بسازند و به هر شکل ممکن از خود دفاع کنند. نقش مخرب این جبهه مقاومت سازی‌های جعلی احزاب جهادی دقیقاً در همین جا است. در به پیراهه کشاندن مبارزه‌ای که سر سوزنی نه مجاهد را می‌خواهد و نه طالب را. و می‌خواهد از شر هر نوع ارتجاع خود را خلاص کند. در خیابان فریاد آزادی سر می‌دهد، و علیه زن آزاری و زن ستیزی به میدان آمده است. بر خلاف همه شئونات اسلامی مجاهدینی - طالبانی، برابری زن و مرد را فریاد می‌زند و راه نشان می‌دهد. جبهه مقاومت مردم افغانستان از اینجا، از خیابانها، از غریو شجاعانه و جسارت زنان سر بیرون

کرده است.

حق شهروندی، دولت فراگیر از تحریف تا واقعیت

یک خواست جبهه مقاومت پنجشیر دولت همه شمول است. نقد و درد اصلی اش این است که از همه "اقوام" در دولت باشد. همان نسخه نخنمای کنفرانس بن را مقابل جامعه گرفته است و می گوید اقوام در دولت طالبان نیستند،

این دولت تک قومیتی است. همه پست‌های
وزارتی را به یک قوم داده‌اند. این تمام عمق
یک میلیمتری نقد بر دولت طالبانی است.

در پایمال کردن حق شهروندی طالبان تنها
نیست. احزاب جهادی سابق هم در همان جبهه
ردیف شده‌اند با این تفاوت که سهم‌خواهی
می‌کنند. کاسه به دست چشم به درگاه امارت
دارند.

نقد بر سلطه یک حکومت تروریستی اسلامی
نیست. نقد بر سر حقوق شناخته شده حق
شهروندی در انتخاب شدن و انتخاب کردن
نیست. دولت حتی در ساختار بورژوازی رایج
جهان سرمایه‌داری که ماهیت طبقاتی آن در

زیر سایه احزاب و پارلمان و حق رأی پنهان است، هم نیست. بلکه بر سر این است که جامعه یعنی اقوام! نه حق شهروندی متساوی در استفاده و دسترسی به امکانات موجود جامعه. حالا یک قوم آمده است و دولت تک قومی ساخته است. جبهه مقاومت پنجشیر مطالبه‌اش دولتی متشکل از همه اقوام است! آنجا هم که حضور زنان مطرح است، زنان در تقسیم قدرت شامل سهمیه اقوام می‌شوند.

احمد مسعود چگونه رهبر شده است؟! رهبری را از پدر به ارث برده است. پیش از آمدن طالبان و سیطره بر کشور و جبهه پنجشیر او رهبر شده بود. نه شورای نظار و نه حزب جمعیت اسلامی منتسب به او انتخابات و حق رأی ندارد. به

همین ترتیب دولت هم حاصل حق رأی نیست. حاصل "تجمع بزرگان قوم" است. بزرگان قوم زور میزنند، رقابت و سازش می کنند تا وزارت و وکالت و ولایت را بین خود تقسیم کنند. این سابقه دولت سازی موروثی است که این بار به دست طالبان افتاده است. برای ساکت کردن و کیش و مات احزاب جهادی طالبان خرگوشی از کلاهش بیرون آورده است. این بار یک پنجشیری ذوب شده در ولایت طالبان را به نام حاجی نورالدین عزیزی از ولسوالی خنج، به سمت سرپرست وزارت تجارت منصوب کرده است. تا دهان ها بسته شود.

جبهه مقاومت و همه چراغ های پرنوری که راه مبارزه را در افغانستان تحت سلطه طالبان

روشن می‌کند دارد خود را از زیر سیطره
ارتجاعی و احزاب و تنظیمات جهادی بیرون
می‌کشد. جامعه بخوبی می‌داند، طالبان از
بطن احزاب جهادی زاده شده‌اند. همخون
و هم ریشه‌اند و عاقبت با کسری از اختلاف
کنار خواهند آمد. این منفعت میلیونها مردم
افغانستان، میلیونها کارگر، زن، جوان و مبارز
است که باید روی پای خود بایستند و فریاد
بزنند جبهه مقاومت خود مائیم!

۲۳ سپتامبر ۲۰۲۱

وب سایت:

www.wpiran.org

تماس با حزب:

پیامگیر تلگرام: **wpi_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام